

گفتگو با آقای احدتن زاده مسئول کمیته آموزش تخصصی فدراسیون کاراته

تاریخچه کاراته

قبل از اینکه کاراته وارد اوکیناوا شود، ورزش رزمی در چین به روشهای مختلف تمرین داده می شد، در بعضی نقاط باروشی آهسته در عین حال محکم و قوی، در قسمتی دیگر با تکیه بر سرعت عمل و یا در بعضی نواحی فقط با پا کار می کردند و ریشه همه اینها به معبد شائولین برمی گشت که بنیانگذار آن، همان داروماته پشی بود. اما در واقع می توان گفت که آغاز کاراته بوسیله شخصی بنام کوشانکو، یا کوشوکون که تلفظ صحیح چینی آن کونگ سیان چون می باشد، از اوکی ناوا بوده است. کونگ سیان چون که متخصص کمبوی چینی بود بعنوان نماینده امپراطوری چین وارد شهر «شوری» در اوکیناوا شد و در آنجا کاراته را که در آن زمان به هر سه یا هنر جنگیدن نامیده می شد اولین بار به شخصی به نام «ساکوگاوا» آموزش داد. ساکوگاوا نیز اندوخته های خود را به استاد «ماتسومورا» انتقال دادند، البته ماتسومورا هم قبلاً متأثر از تعالیم کوشانکو بود.

کونگ سیان چون اصلی را در کاراته بنا گذاشت که براساس آن تکنیک ها را با کاتامی آموخت، (برای مثال وقتی به شاگردی می گفت با نوک انگشت ضربه بزن، کاتای گوجوشیهو کار می کرد و...) در حقیقت در رأس کاراته در آن زمان کاتا قرار داشت که از طریق آن به اهداف والای فیزیکی و روحی می رسیدند.

آقای کونگ سیان چون چینی کاتایی را بنا نهاد که بعدها فوناگوشی در سبک شوتوکان، اسم این کاتا را به نام کونگو برگرداند. بعبارتی کاتای کونکو دای که در سبکهای مختلف کار میشود یا کوشانکو، همان چیزی است که نماینده امپراطوری چین در آن زمان به ماتسومورا یا ساکوگاوا آموزش می داد.

ماتسومورا شاگردان زیادی داشت و معروفترین آنها آنکوایتوسو بود، آنکوایتوسو معلم آموزش و پرورش و یکی از اساتید معروف شهر شوری محسوب می شد و نقش عمده ای در توسعه و گسترش کاراته در آن زمان داشت. او از همان کاتای کانکو که از ماتسومورا یاد گرفته بود پنج کاتا اقتباس کرد و معتقد بود فراگیری این پنج کاتا برای شخصی که تازه کاراته را آغاز کرده راحت تر و بهتر می باشد و این پنج کاتا را بنیان که زاینها به آن هی یان می گویند، نامید. همچنین او در همان زمان با الهام از تماسهایی که با یک ملاح کشتی که متخصص کمبوی چینی بود کاتا های مختلفی مثل چین تو را ابداع نمود.

آنکوایتوسو شاگردان زیادی داشت از جمله «فوناگوشی گی چی» که بعدها شوتوکان را ابداع کرد، «مابونی کن واه» شیتوریو را ابداع کرد و شاگردان زیادی مثل چوکوکیان، چویشن چی باناوا ناشیرو که بعدها از خود سبکهایی را بجا



گذاشتند، از اساتید معروف شهر شوری بودند. فونوگوشی ملقب به «شوتوه» در خطاطی و سرودن شعرهای چینی نیز معروف بود وزیر تمام نوشته‌هایش اسم و لقب شوتو را می‌نوشت. او وقتی به ژاپن رفت در کودکان با همکاری استاد کانو بنیانگذار جودو، برای اولین بار محلی را برای آموزش کاراته بنا نهاد و از آنجا که مکان و سالن تمرین به زبان ژاپنی کان نامیده می‌شود مکتب فونوگوشی و در واقع «شوتوه» شوتوگان نامیده شد.

از طرفی در همسایگی شهر شوری، شهری بود به نام ناها و استاد کانویو هیگانونا یکی از اساتید بزرگی که نقش عمده‌ای در شکل‌گیری روش ناها داشت در آنجا زندگی می‌کرد و علیرغم شباهت ظاهری، روشهایی که در شهر ناها تمرین داده می‌شد، بطور کلی با روشهای شهر شوری فرق داشت و علت این اختلاف را نیز می‌توان تفاوت روشهای گوناگون چینی دانست. به عبارتی روشهای جنوبی کمپوی چینی وارد شهر ناها شد و روشهای شمالی کمپوی چینی وارد شهر شوری شد و این فرق شوری و ناها باعث تفاوتهایی در کاراته امروزی شده است، ولذا از آنجا که در جنوب چین تای چی جوان بیشتر توسعه پیدا کرده و تمرین می‌شد در کاتاهای روشهای ناها، تنفس عمیق و حرکات آرام زیاد دیده می‌شود و کاتاهایی مثل سان چین، سیفایاسیها سی ان چین، سیا، سی سان و سای لوپارین په در ناها بنا نهاده شد و کاتاهای باسای وای و چین تو، جیون، جیته و گوجوشیهو از کاتاهایی هستند که ایتسو و ماتسومورا در شهر شوری ابداع نمودند و اگر ما کاتاهای این دو روش یعنی ناها و شوری را کنار هم و با هم انجام دهیم، تفاوت بین این دو شیوه را می‌توان بخوبی تشخیص داد. در ناها بیشتر از سان چین داجی

بهمراه حرکات آرام و کارهای تنفسی استفاده می‌شد و دفاعها، بیشتر حالت دورانی داشتند و در شهر شوری بیشتر از زنکوتسو داجی ونکوآشی داجی و حرکات سریع استفاده می‌گردید و مثل روش ناها از حرکات تنفسی عمیق استفاده نمی‌شد که به همین دلیل اسم یک روش را شوریه و اسم آن یکی را ناهاته نهادند. شوریه و ناهاته در واقع دو روش اصلی کاراته در اوکیناوا شدند که بعدها سبک‌هایی که چه در اوکیناوا و چه در ژاپن ابداع گردید، یا منشاء شوریه داشتند و یا ناهاته و یا تلفیقی از این دو روش.

بعنوان مثال سبک شیتوریو که توسط مابونی ابداع شد، تلفیقی است از این دو روش. استاد مابونی مدتی در شهر شوری، زیر نظر استاد آنکوایتوسو به فراگیری کاراته پرداخت و سپس به شهر ناها رفته و روش ناهاته را از استاد کانیرو هیگانونا فراگرفت و در هر دو روش به درجه استادی رسید و بعد از مرگ این دو استاد کلمه



آنکوایتوسو شاگردان زیادی داشت از جمله «فونوگوشی گیچی» که بعدها شوتوگان را ابداع کرد، «مابونی کن وا» شیتوریو را ابداع کرد و شاگردان زیادی مثل چوکوکیان، چویشن چی باناوها ناشی رو که بعدها از خود سبک‌هایی را بسجا گذاشتند، از اساتید معروف شهر شوری بودند.



شی را از کانجی چینی اسم استاد ایتوسو، و کلمه تورا از کانجی چینی اسم استاد هیگائونا گرفته و سبک شیتوریو را که در واقع ترکیبی از روش ایتوسو و هیگائونا و یا عبارتی ترکیبی از روش شوریه و ناهاته است بنا نهاد.

از آن زمان سبکها یا به روش شوریه کار می شد و یا ناهاته و یا مخلوطی از این دو. در شهر دیگری به نام توماری که در نزدیکی شهر شوری بود، روش خاص دیگری که بیشتر شبیه شوریه بود شروع به فعالیت نمود، که بعدها به آن توماریته می گفتند. البته مقدارش کم و کاتاهای آن انگشت شمار بود. ۹۰ درصد کاتاهای توماریته

روشهای مختلف در آن زمان تمرین داده می شد، سبکهای شوتوکان، شیتوریو، وادریو و گوجوریو از سبکهای اصلی کاراته در همان زمان شناخته شدند که شوتوکان را فوناگوشی ابداع کرد، شیتوریو را مابونی کن بنا نهاد، گوجوریو را میاگی پایه گذاری کرد و وادریو را هیرونوری اتسوکا که این سبک صددرصد ژاپنی بود زیرا بنیانگذار سبک وادریو اصلاً هیچ دوره‌ای در اوکیناوا ندیده بود و مستقیماً سبک شوتوکان را زیر نظر فوناگوشی فرا گرفته بود و در عین حال چون خودش در جوجیتو تخصص داشت، افکار و فلسفه‌های جوجیتورا با شوتوکان تلفیق کرده و

داشته، سبکی را به نام ایشین ریو بنا نهاد که بیشتر در آمریکا تعلیم داده می شود و مرکز آن بیشتر در آمریکا است. اینها مطالبی بود از زبان آقای احدتن زاده مسئول کمیته آموزش تخصصی مربیان فدراسیون کاراته استان تهران. اینک از ایشان می خواهیم که خودشان را بیشتر برای خوانندگان ما معرفی نمایند.

ج - بنده احدتن زاده هشتم متولد ۱۳۳۹ و کاراته را با سبک کان دن ریو از سال ۱۳۵۱ شروع کردم و در سال ۶۴ این سبک را رها کرده و با سبکهای مختلف کاراته آشنا شدم و

بیشتر به شیتوریو پرداختم، در سال ۶۹ به مربیگری تیم ملی جوانان درآمده و در همان سال به اندونزی رفتم که حاصل کار ۲ مدال برنز برای ایران بود. سپس به ژاپن رفته و مدت ۷ ماه در انجمن شوتوکای ژاپن دوره دیدم و موفق به اخذ کمربند سیاه دان چهار شدم. همچنین در مدت ۲ سالی که در ژاپن بودم موفق به اخذ مدرک مربیگری و مقام سوم کمیته سراسری مسابقات جهانی شیتوریو و مقام سوم کاتا شدم. س: آقای تن زاده لطفاً بفرمائید علت تعدد سبکها در کاراته چیست؟

ج - خیلی خوب است که این سؤال برای اجتماع ما باز شود اصولاً کاراته دو را یک هنر می دانند و آن را «مارشال آرت» یعنی هنرهای رزمی می نامند و عبارتی آنرا از ورزش و اسپرت جدا می کنند. شرقیها و چینی و ژاپنی ها از دید کلاسیک برای رسیدن به درجات بالای هنر، سه مرحله اصلی و اساسی را باید طی نمایند. خود



سبک وادریو را بنا نهاد. از طرفی میاگی شاگردی را به نام گوکن یاماگوشی تربیت کرد که ایشن پس از آن که میاگی به اوکیناوا برگشت، گوجوریو را در ژاپن ادامه داد.

ماساتسو اوایاما وقتی از کره به ژاپن آمد ابتدا به فراگیری جودو پرداخت. در آن زمان کاراته هم در ژاپن در حال شکل گیری بود. وی زیر نظر فوناگوشی، شوتوکان و زیر نظر گوکن یاماگوشی، گوجوریو را یاد گرفت و بعدها انجمن کیوکوشینکای کان کاراته را بنا نهاد. کاتاهایی که در این سبک تمرین می شد مانند پنیاها، دقیقاً از مکتب شوریه شوتوکان و کاتاهایی مثل سی هاتشو، از گوجوریو است و یک تعداد کاتاهایی که خودش ابداع کرد مانند گاریو و یانسو، البته شیوه مبارزاتی این سبک با سایر سبکها فرق عمده‌ای دارد.

از طرف دیگر تاتوشیمابوکو که یک کشاورز بود، در اوکیناوا گوجوریو را زیر نظر میاگی و شوریه را زیر نظر استاد چوتوکوکیان و در شهر شوری فرا گرفته و از آنجائیکه بیشترین آموزشها در کاراته به «کوبودو» (ادوات رزمی، مثل نانچوکو - بو، سامی، تونفا و...) اختصاص

شبه شوریه و ده درصد علائم و حالتهای ناهاته در آن وجود دارد. در توماریته کاتاهای معروفی همچون کاتاهای انسو وجود دارد که اکثر قهرمانان از آن استفاده می کنند.

یکی از شاگردان معروف هیگائونا در شهر ناها میاگی نام داشت. میاگی علاوه بر اینکه پیش هیگائونا روش ناها را کار می کرد خودش هم سفرهای زیادی به جنوب و شهرهای چین و تایوان داشت و وقتیکه استادش از دنیا رفت روشی به نام گوجوریو ابداع کرد. (گوجوریو یعنی روش سفتی و نرمی)

البته روشهای مختلف دیگر که ریشه ناهاته دارد مثل اثوچی که می توان گفت شبه گوجوریو است و یا رتوریو، در ناها بنا نهاده شد. که در درازمدت نتوانست توسعه پیدا کند.

اوکیناوائی به ژاپنی مانند برگرداندن لفظ پنیا به هی یان که در واقع یک معنی داشت و یا لفظ نی سی شی به نی شی هو که در واقع ریشه این تغییر برمی گردد به همان زمان.

بالاخره در سالهای ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ بوتوکوکای کاراته را به رسمیت شناخت و با اینکه تعدد سبک در آن زمان زیاد بود و



همکلاسی و یا هم‌دوره‌ای‌های خودمان این موضوع را ارزیابی نمائیم، خواهیم دید که کسانی که تمایل به سبک زدن دارند از همان مرحله ابتدایی زیاد در کارشان جدی نبوده و بیشتر دنبال چیزهای دیگری در کاراته بوده‌اند، ولی اگر به سبکهای خوب و قوی و مطرح دنیا نگاه کنیم و مروری به زندگینامه این اساتید داشته باشیم، خواهیم دید که آنها بزرگسازان تن شوهاری و فلسفه و روند تکاملی هنر، این مسیر را طی نموده‌اند.

س: آقای تن زاده آیا از نظر فنی اختلافی بین سبکهای کاراته در دنیا وجود دارد یا خیر؟

ج: در ژاپن اختلاف فنی وجود ندارد، در واقع اختلاف سلیقه است و همه پذیرفته‌اند که سلیقه او این است و سلیقه تو آن. سلیقه من این است که شوریه کار کنم زیرا فیزیک بدن من این را می‌پذیرد و سلیقه تو آنست که ناهاته کارکنی زیرا فیزیک بدن تو با آن منطبق است. البته هر دو در جای خود درست است، در صورتیکه در بعضی جاها از جمله ایران می‌گویند نه اینکه من می‌گویم درست است و این بحث‌ها را بوجود می‌آورند، به عقیده من هیچ سبکی به تنهایی کامل نیست بلکه سبکها می‌توانند مکمل یکدیگر باشند، چراکه در ژاپن اساتید درجه بالای کاراته از تمام سبکها چیزهایی را می‌دانند و وقتی از آنها سؤال می‌شود چه در ذهن شما هست و هدف شما چیست؟ جواب می‌دهند کاراته دو، حال از چه طریق می‌توان به کاراته دو رسید؟ آن موقع سبکشان را مطرح می‌کنند.

س: آقای تن زاده بفرمائید کاراته دو یعنی چه؟

ج: کاراته دو یعنی مجموعه همه اینها، شوتوکان، گوجوریو، شیتوریو، کیوکوشین وادریو و....

س: کاراته دو از نظر فلسفی و فرهنگی هدفش چیست؟

ج: بالا بردن شخصیت انسان و رسیدن به کمال مطلوب انسانیت و مسائل روحی و فرهنگی و جسمی

س: آیا سبکها نسبت به یکدیگر برتری مبارزاتی دارند یا خیر؟

ج: البته در صحبت‌های قبلی گفتم که هیچ سبکی نسبت به دیگری برتری ندارد، بلکه این سبکها مکمل یکدیگرند، ولی ما در مسابقات جهانی و تورنهای مختلف شاهد هستیم که یک دوره شوتوکان، یک دوره وادریو، یک دوره گوجوریو و یا سبک دیگر قهرمان جهان می‌شود. پس می‌بینیم که هیچ سبکی نمی‌تواند نسبت به دیگری برتری داشته باشد، بلکه سبکها در واقع راهی هستند که همه به موازات یکدیگر طی می‌کنند.



آنها در این رابطه کلمه شوهاری را بکار می‌برند که بیانگر این سه مرحله و روند تکامل آن می‌باشد. شوهاری از سه بخش درست شده که در واقع این سه بخش، روند سیر تکاملی هنرجوی کاراته از ابتدا تا رسیدن به مرحله استادی را نشان می‌دهد. «شوه» یعنی مرحله‌ای که شاگرد تمام تکنیکهای پایه و کلاسیک را کپی می‌کند و در واقع مرحله کپی برداری و یا تقلید کردن از استاد است. «ها» یعنی مرحله‌ای که شاگرد تمام تکنیکها را بصورت ملکه و اتوماتیک انجام می‌دهد و عبارتی تکنیکها در این مرحله حالت شرطی پیدا کرده و هنرجو هر آن بدون آنکه فکر کند آن را انجام می‌دهد. «ری» یعنی وضعیتی که فرد به مرحله خلاقیت رسیده و می‌تواند از خود حرکت ابداع کند. حال اگر ما کاراته دو را بر اساس شوهاری بگذاریم و طبق منطق عمل نمائیم، بعد از گذشت سی سال زندگی کردن با این روش می‌توانیم به مرحله «ری» برسیم یعنی مرحله آخر که بتوانیم ابداع نمائیم. بعنوان مثال در همین شوتوکان چرا فقط یک نفر شوناکایاما، اصولاً علت بوجود آمدن فوناگوشی‌ها در کاراته همین طی مرحله شوهاری صحیح و منطقی بود که ما همین حالت را در هنر نقاشی نیز می‌توانیم ببینیم ولی متأسفانه از طرف دیگر کسانی بوده و هستند که ایجاد سبک جدید برایشان بیشتر جنبه تجاری داشته است. مثلاً ما اگر بخواهیم در میان